ادامه از صفحه اول

مبنای اعتماد مردم به امام (ره)

... و اگر تصویر او بر هیچ دیواری در شهر نمی‌نشست، بازهم دل‌ها را همراه خود داشت. چنین بود که تصویر رئیس کشور را باید به زور بخش‌نامه و اجبار بر دیوار هر کلاس و سالن و مغازه‌ای می‌نشاندند، اما تصویر او بر کنج دیوار خانه‌ها و تودرتوی دل‌ها آویخته بود.

به باور من، این مقبولیت، بیش از هرچیز ناشی از صداقتی بود که در رفتار و گفتارش آشکار بود. این، موجب «پیش‌بینی‌پذیری» رهبری‌اش می‌شد و شاید در شکل‌گیری رابطه مبتنی بر اعتماد میان یک رهبر و پیروانش، اهمیت هیچ‌چیز به پایه این عامل اثرگذار نرسد. برای روشن‌ترشدن این مطلب، اجازه بدهید خاطره‌ای را از آقای سیدمحمود دعایی نقل کنم. زمانی که ما در آلمان بودیم و پدر عهده‌دار مدیریت مرکز اسلامی هامبورگ، چند کتاب و جزوه‌ای که به چندزبان و در تبیین چند موضوع مهم دینی توسط مرکز منتشر شده بود را جهت اطلاع و نظرخواهی برای یکی از مراجع مهم تقلید آن زمان، توسط آقای دعایی فرستاده بود. ایشان می‌گفت که جزوات و کتاب‌ها را نزد آن مرجع تقلید در قم بردم و گفتم که اینها را آقای بهشتی برای‌تان فرستاده‌اند. پرسید کدام بهشتی؟ آقاسید محمد بهشتی؟ و سپس با خنده‌ای کوتاه از من دعوت کرد به یک خاطره گوش فرا دهم. گفت چند سال پیش که آقای بهشتی دو سالی عهده‌دار مدیریت مدرسه علمیه‌ای که زیر نظر من بود شد، شروع کرد به برقراری نظم و انضباطی که تا پیش از آن در این‌گونه مدارس رایج نبود: امتحان ورودی و سطح‌بندی، ساعات منظم کلاسی، حضور و غیاب طلاب، امتحانات برای دروس و مانند آن. همچنین، برنامه‌ای برای تحول در برنامه درسی پیشنهاد کرد که در آن، علاوه‌بر دروس سنتی حوزوی، آشنایی با علوم جدید نیز لحاظ شده بود؛ دروسی مانند زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، فیزیک، ریاضیات و از جمله، زبان انگلیسی. من در برگه‌ای که این پیشنهادها روی آن نوشته شده بود، دور زبان انگلیسی را خط کشیدم تا اگر در عمل خوب از کار درآمد، بگویم من هم بر آن تأکید داشتم و اگر اعتراض طلاب و مدرسین را به‌دنبال داشت، بگویم من هم از ابتدا پیش‌بینی می‌کردم که کار مناسبی نیست! امام اما چنین نبود.

او که مانند هر انسان دیگری معصوم از گناه و مصون از خطا نبود، اشتباهاتش را شجاعانه می‌پذیرفت و در اعتراف به خطاهایش کوچک‌ترین تردیدی روا نمی‌داشت. شاید درخشان‌ترین حرکت امام، اتفاقی بود که در سال پایانی زندگانی‌اش رخ داد. هنگامی که پس از هشت سال جنگ، شجاعانه قطع‌نامه ۵۹۸ را پذیرفت و همه مسئولیت را یک‌تنه برعهده گرفت. بهت عمومی ناشی از این حادثه، بسیار فراگیر بود و کوتاه‌آمدن از شعار «جنگ، جنگ، تا رفع فتنه از عالم» به مذاق مردمی که آن‌همه هزینه داده بودند، سخت تلخ می‌نمود. بسیاری از تحلیلگران اعتقاد داشتند کاریزمای رهبری امام پس از آن فرومی‌ریزد. دو پدیده تاریخی، یعنی واکنش سراسری مردم به عملیات فرصت‌طلبانه و ماجراجویانه طرفداران سازمان منافقین که به دامان صدام پناه برده بودند و نیز شرکت میلیون‌ها ایرانی در تشییع پیکر امام خمینی که به‌طور خودجوش، نادرست‌بودن آن تحلیل را اثبات کرد و نیز اثبات کرد که ایرانیان، مانند همه انسان‌های دیگر، از دروغ‌گویان بیزارند و راستی را بیش از هرچیز پاس می‌دارند.

گمنامی یعنی...

سلامی به وسعت ایمان، به ژرفای نام حق، به آنان‌که آتش عشق خدا در وجودشان زبانه می‌کشد و سوار بر مرکب سپید احساس، تا قله نور می‌تازند. سلام بر محفل روحانی مؤمنانی که در آن طائرانی می‌پرورانند، لبریز از احساس.

«ای‌کاش مرا هم در این محفل جایی بود!»

هر درختی زیباست و هرگل و سبزه‌ای فریبا، اما سرو زیباتر است و سپیدار فریباتر. آیین سرو، قیام است و گنجینه پیام و شما یادآور سروید در ذهن من.

سخن‌گفتن در باب شما و باب مجاهدتان کاری است بس دشوار؛ دشوارتر از هرچیز و درعین‌حال، توصیف آن به‌گونه‌ای که در وصف بگنجد، بسیار شیرین و گواراست. ای‌کاش می‌شد قلم توان می‌یافت و یار می‌شد مرا در انعکاس هرآنچه در درونم هست. برای توصیف شما باید راهی دلی شد که لطیف است. باید از نفس گذشت. باید از هوس گذشت تا به هدف رسید. در یک کلام، باید به عشق رسید و این عشق به وسعت آسمان‌ها و زمین و به ژرفای تمامی آب‌های بزرگ هست. عشق یعنی از بند خویشتن رهاشدن و محو معشوق‌شدن و این عشق حقیقی اگر حقیقی باشد همچون شعله‌های آتش، جرقه خواهد زد و تمامی وجود عاشقان را در خود خواهد سوزاند و این یعنی محوشدن در وجود معشوق و شاید نیز فداشدن.

میلاد باسعادت امام عاشقان، امام عصر بر شیعیان و سربازانش مبارک‌باد.

سیف: ۴۰ درصد دارایی بانک‌ها قابل استفاده نیست

ادامه از صفحه ۴

در حال حاضر حجم مطالبات غیرجاری بانک‌ها یک‌هزارو ۴۴۰ میلیارد تومان به صورت نقد، وام و سرمایه‌گذاری است اما درخصوص سرمایه‌گذاری دو مشکل وجود دارد؛ نخست انجماد سرمایه‌ها در مسیر سرمایه‌گذاری است و دومین آن برایند حاکمیتی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و شیوه ارائه تسهیلات است.

درحال‌حاضر مشکلاتی پیش‌روی سه ضلع بانک، بنگاه و بانک مرکزی وجود دارد که باید به آن توجه داشته باشیم. در سال‌های گذشته تورم مزمنی در اقتصاد تجربه کرده‌ایم. در این سال‌ها در واقع سهم دولت در پایه پولی قابل‌توجه و غالب بوده و ادبیات سلطه مالی هنوز حاکم است و تلقی بر این است که دولت همچنان بر این موضوع غلبه دارد و به دنبال این امر نرخ سود بانکی برای دوره‌های طولانی همچنان منفی بوده است. تورم مزمن ۱۸ ماه گذشته ۱۸ واحد درصد کاهش پیدا کرده است، البته نباید از علت کاهش آن غافل شویم، ضمن اینکه تلاش‌ها باید برای کاهش تورم به کمتر از ۱۷ درصد باشد.

با کاهش نرخ تورم در سال‌های اخیر، نرخ سود بانکی با این کاهش، نزولی نشد بلکه افزایش هم داشت، درواقع نرخ سود واقعی و تسهیلات در سپرده‌ها مثبت شد. در مورد ترکیب پایه پولی در سال گذشته شاهد سهم مسلط افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بودیم و در این مورد خالص دارایی بانک مرکزی و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بیشتر هویدا بود. اینکه نرخ تورم کاهش پیدا کرده اما نرخ سود بانکی به دنبال آن کاهش پیدا نکرده است؛ باید گفت یکی از علت‌های آن مطالبات معوق بانک‌هاست. همچنین در مورد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال‌های گذشته بیشتر بدهی بانک‌های دولتی مطرح بوده است، البته اکنون بانک‌های غیردولتی هم بدهکار شده‌اند.

اگر در نظام بانکی اصلاح پرونده‌ای بانکی را رسیدگی کنیم، آستانه خطر را کم‌تر کرده‌ایم و از سوی دیگر وام‌ها سالم‌تر و شفاف‌تر ارائه می‌شود. در حال حاضر سیستم کنونی مانند اتومبیلی است که تنظیم نیست آلودگی زیادی دارد و چندین راه برای استفاده از این اتومبیل پیش روی ما نیست، نخست اینکه بخش‌های معیوب این خودرو از جمله موتور آن را تعمیر یا از این وسیله نقلیه کمتر استفاده کنیم. در حال حاضر دغدغه‌های مختلفی در بخش حقیقی سیاست‌گذار پیش‌روی آن است، در این مقوله باید گفت به دلیل نیاز به سرمایه در گردش یا پیش‌پرداختی‌بودن برخی از نهاده‌های تولید، اعتبارات بانکی یک نهاده مکمل ضروری برای تولید است. اعتبارات مورد نیاز برای خروج از رکود، تورم مطلوب و کاهش اصطکاک مالی بین بانک و بنگاه سه‌گانه ناممکن هستند. به طور طبیعی هر زمان تورم بیشتر شود هشدارهای تورمی داده می‌شود، به‌عنوان مثال سال ۸۷ میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی زیاد شد که به دنبال آن شاهد افزایش هشدارها بودیم، ضمن اینکه رشد پایه پولی نیز در آن دوره افزایش یافت و قصه سه‌قفله‌شدن اینجا رخ داد و ضریب فزاینده پولی کوچک‌تر از یک شد. تا زمانی که اصطکاک مالی بین بانک و بنگاه حل نشود، در بر همین پاشنه می‌چرخد، بنابراین رونق تولید و رسیدن به توسعه پایدار در گرو این امر است.

فراهم‌نبودن منابع مورد نیاز در زمان مورد نیاز برای تأمین رشد اقتصادی و فراهم‌نبودن منابع مالی بیرونی برای اقتصاد، از جمله تنگنای اعتباری به شمار می‌شود. درحال‌حاضر دولت منبع مالی جدیدی ندارد، ضمن اینکه درآمدهای نفتی در سال گذشته کاهش یافته است و اکنون درآمدهای نفتی نیز نداریم؛ بنابراین برای خروج از تنگنای اعتباری باید به سراغ دارایی دفن شده برویم و آن را احصا و احیا کنیم.

البته ناگفته نماند دولت باید بدهی‌هایش به بانک‌ها را با اولویت‌بندی پرداخت کند. ضمن اینکه رقم بدهی دولت به بانک‌ها قابل توجه نیست. اما اکنون دارایی منجمد به درد بانکی که تشنه آب است نمی‌خورد و با آب منجمدشده نمی‌توان تشنگی را برطرف کرد، اگر بتوانیم انگیزه بانک‌ها را برای میعان دارایی زیاد کنیم، توفیقات بیشتری در این مسیر حاصل می‌شود. به‌طورکلی از پرداخت سود برای دارایی‌های منجمد باید جلوگیری شود و از سوی دیگر بازاری‌کردن دارایی‌های منجمد باید مورد توجه قرار گیرد. ناگفته نماند اقتصاد را باید در سه بخش سیاست‌ها، نهادها و پاردایم‌ها در نظر بگیریم بانک مرکزی در کنار تأمین منابع باید اصلاح سیستم را در دستور کار قرار دهد و از سوی دیگر اگر قیمت ریسک‌پذیری در کشور پایین باشد، امکان ریسک برای همه وجود خواهد داشت، ضمن اینکه در این مسیر نباید ریسک یک بانک به بانک دیگری منتقل شود. همچنین در مورد رونق بازار مسکن باید گفت زمانی که بازار مسکن رونق پیدا کرد همه اشتهای ورود به این بازار را پیدا کردند و در این بازار سرمایه‌گذاری کردند اما در این میان برخی‌ها با پول دیگران سرمایه‌گذاری کردند که در زمان رکود با مشکل تحقق تعهدشان روبه‌رو شده‌اند.

تأسیس بانکی مخصوص دولت

عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی

اگر بخواهیم در حوزه مسکن توسعه پایداری را شاهد باشیم نیاز داریم در کنار مصوبات اخیر شورای پول و اعتبار، یک بانک مشخص که نقش بانک توسعه‌ای را برای سیاست‌ها و مأموریت‌های دولت ایفا می‌کند، تأسیس شود. این بانک توسعه‌ای باید با استفاده از پس‌انداز عمومی مردم، پس‌انداز بازار و بودجه دولت، سیاست‌ها را اجرائی کند.

همچنین در مورد بانک رهنی و نقش آن در اقتصاد باید گفت خوشبختانه در ایران بانک رهنی دقیقا نقش بانک توسعه‌ای را داشته است، اما در دهه ۸۰ هم‌زمان با اجرای سیاست‌های غلط در دولت نهم و دهم از نقش توسعه‌ای به توزیع‌کننده‌بودن اعتبارات تغییر نقش داد. راهکار عمده برای توسعه بخش مسکن به صورت نهادی بانک رهنی باید رسما همان بانک توسعه‌ای باشد؛ باتوجه به اینکه کارکردهای اصلی بانک‌های توسعه‌ای، حمایت از اقشار ضعیف، حفظ پتانسیل رشد اقتصادی، حمایت و نگهداری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری است

۶ هزار مؤسسه مالی بدون مجوز در ایران نفس می‌کشند

عبده تبریزی، مشاور وزیر راه و شهرسازی

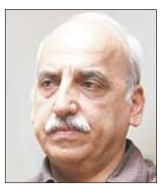

درحال‌حاضر هفت هزار مؤسسه مالی در ایران وجود دارد که حدود شش هزار مؤسسه مالی بدون مجوز هستند اکنون حداقل ۱۰۰ هزار میلیارد تومان توسط شش مؤسسه مالی بدون مجوز مورد معامله است. پذیرفته‌ایم که نظام بانکی ایران مشکل دارد؛ اما راهکارهایی برای رفع این مشکلات وجود دارد که نمونه آن تقویت حسابرسی نهادهای سپرده‌پذیر، نظارت قاطع توسط مقام ناظر بخش پولی، تقویت حمایت قضایی در فرایند تحدید ساختار، استقرار نظام بیمه سپرده، ساماندهی فعالیت‌های بانکداری سایه به سبک ایرانی و اصلاح نهادهای سپرده‌پذیر در معرض دام «پونزی» است.

در مورد تحقق موضوع نجات مالی باید مداخله دولت از طریق وام‌دادن و تزریق سرمایه و خرید دارایی، تملک‌های حمایت‌شده حمایتی مورد توجه قرار گیرد. البته این امر دارای مشکلاتی از جمله مخاطرات اخلاقی، عدم اصلاح نظام مالکیت و هزینه اجرای آن، است. درحال‌حاضر نهادهای سپرده‌پذیر ایران در دام طرح‌های پونزی هستند، اکنون این پرسش ایجاد می‌شود که ترفند فریبکارانه پونزی چیست، در این ترفند به جای اینکه سود از خروجی طرح پرداخت شود از سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته پرداخت می‌شود.

در مورد نهادهای سپرده‌پذیر اقتصاد ایران که حجم مطالبات معوق و غیرجاری آنها طبق آمار حدود ۱۵ درصد است، اما برآورد کارشناسان بیش از ۳۰ درصد است، احتمال گرفتاری آن در این دام خطرناک بسیار محتمل است. ناگفته نماند انضباط پول حاکم و مهار تورم توسط بانک مرکزی باید در دستور کار باشد.

اینکه برای مدیریت و پرداخت بدهی‌های دولت به سیستم بانکی، سازمانی تشکیل شود، رفتار مطلوبی نیست؛ زیرا نیازی به ایجاد سازمان مشخص برای مدیریت بدهی‌های دولت وجود ندارد، بلکه باید دولت با این واقعیت روبه‌رو شود که بدهکار است و این بدهی‌ها را باید بتواند شفاف کند و برای آن باید برنامه داشته باشد. به‌عنوان مثال، درحال‌حاضر بدهی‌های صندوق‌های بازنشستگی که اکنون حدود صد هزار میلیارد تومان ادعای طلب دارند، در آینده مشکل‌ساز شود. دولت باید برای بدهی‌ها ابزاری را مشخص کند و فهرست بدهی‌ها و پرداخت آن را اولویت‌بندی کند. همچنین پرداخت بدهی به شیوه تهاتر نیز شیوه مناسبی برای رد دیون نیست، زیرا این شیوه تبعات بسیار زیادی به دنبال دارد که ورود به زمینه غیرضروری نمونه‌ای از آن است.

دولت با شیوه‌های مختلف می‌تواند درآمدزایی داشته باشد؛ به‌عنوان مثال اکنون ۳۰ هزار میلیارد تومان یارانه بخش برق کشور است که اگر شفاف‌سازی در این زمینه صورت می‌گرفت بسیاری از صنایع هرگز ایجاد نمی‌شد. به طور کلی تقویت جدی نظارت بانک مرکزی باید مورد توجه باشد. اگر بانک مرکزی نتواند فرایند بانکداری و سوددهی را مشخص کند متخلف به بازی‌اش ادامه می‌دهد. اما اگر شفاف‌سازی در دستور کار قرار گیرد حتی نرخ سود بانکی نیز کاهش و واقعی‌تر می‌شود؛ بنابراین مهم‌ترین سیاست جاری برای اصلاح وضعیت کنونی توسعه نظارت بانک مرکزی بر نظام پولی کشور است.

ادامه از صفحه اول

باور مهدویت و مدعیان دروغین

سپس فردی از عترتم ظهور می‌نماید که آن را پر از عدل و داد می‌سازد همان‌گونه که از ظلم و ستم لبریز شده است». متأسفانه برخی افراد و گروه‌ها از عقیده به مهدویت همانند دیگر عقاید دینی سوءاستفاده می‌کنند. همیشه افرادی بوده‌اند که با معرفی خود به‌عنوان حضرت مهدی(عج) یا نیابت از آن حضرت یا ارتباط با وجود شریف حضرت مهدی(ع) تلاش کرده‌اند برای زندگی مادی خود یا حزب خود رونقی ایجاد کنند. در جامعه ایران باور به مهدویت هرروز قوی‌تر از روز قبل می‌شود و جوانان با شورمندی و علاقه بیشتری در جست‌وجوی آخرین حلقه وصل بین زمین و آسمان هستند. استقبال از این باور و تلاش متدینان جهت چنگ‌زدن به ریسمانی الهی، وظیفه عالمان دینی را سنگین‌تر می‌کند و آنان باید در آسیب‌شناسی باور مهدویت نگاه ویژه‌ای داشته باشند. باور به مهدویت جزء عقاید ادیان ابراهیمی است بنابراین نباید تفسیری از مهدویت ارائه داد که ترویج‌دهنده خشونت در جهان یا افزایش اختلافات دینی شود. باوری که اساس و بنیان آن بر ایجاد آرامش است نباید منشاء جنگ و تباهی دنیا شود. در موضوع ظهور، یکی از آسیب‌های جدی بشارت به نزدیک‌شدن زمان ظهور است. البته در روایات علائمی جهت بیان زمان ظهور بیان شده است که به‌نام علائم ظهور معروف هستند. در روایات دو گروه از علائم به‌عنوان نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج) نام برده شده‌اند؛ علائمی حتمی و علائم غیرحتمی، علائم حتمی امکان تحقق و بروز آنها بیشتر است ولی نباید گمان کرد حتما آنها نیز اتفاق می‌افتند چون بنابر اعتقاد شیعه بداء وجود دارد و عدم وقوع این حوادث را نباید به معنای دروغ ازکارآمدن سخنان معصومان تفسیر کرد. عبدالرحمن‌بن کثیر می‌گوید در محضر امام صادق(ع) بودم که مهزم اسدی آمد و گفت: مرا آگاه ساز ظهوری که شما در انتظار آن به‌سر می‌برید، چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «ای مهزم، تعیین‌کنندگان وقت ظهور صاحب‌الامر دروغ می‌گویند و شتاب‌کنندگان در آن به هلاکت می‌رسند و تنها تسلیم‌شوندگان فرمان الهی رهایی خواهند یافت و به‌سوی ما باز خواهند گشت». توجه به آسیب‌شناسی مهدویت و بررسی دقیق آن وظیفه‌ای است که اگر بر آن پافشاری می‌کردیم، مصیبت‌های جبران‌ناپذیری مانند چندسال گذشته بر عقاید شیعه تحمیل نمی‌شد.

ادامه از صفحه اول

نقش مشارکت مردم در امر قضا

قطعا برای تحقق عدالت فراگیر، افراد حقوق و تکالیفی دارند که از هر حیث حائز اهمیت است. حقوق مردم در مشارکت در امر قضا و اجرای عدالت اجتماعی، شناسایی بایسته‌های دینی، اجتماعی و مقررات موضوعه است تا بر مبنای آن به تکلیف خود، که مباشرت و مشارکت در ازبین‌بردن زمینه‌های بی‌عدالتی و نقض حقوق شهروندی و ارزش‌های گروهی است، نائل آیند. بااین‌وصف، دو اصل مهم با عنوان «خوداصلاحی» و «دگراصلاحی» را می‌توان به‌مثابه مهم‌ترین راهبردها برای مشارکت مردمی در تحقق هرچه بهتر قضاوت و عدالت در جامعه تلقی کرد. بدیهی است هر زمان افراد یک جامعه به‌سوی پالایش وجود خویش از قیدوبندهای بی‌انضباطی اجتماعی اقدام کنند، خودبه‌خود جامعه به‌سوی تحقق جامعه‌ای عاری از ظلم و بیداد سوق می‌یابد؛ چراکه هر جامعه‌ای متشکل از افراد گوناگون، با سلایق مختلف و مختصات متنوعی است که حول محور یک‌سری ارزش‌های وفاق‌آمیز جمعی شکل گرفته است. این همانا مصداق بارز اصل مهم «خوداصلاحی» است که در آموزه‌های دینی با عنوان «تقوا» آمده است و در این زمینه آیات و روایات متعددی بیان شده است. تقوا نیز ناظر بر خویشتن‌داری در برابر آنچه قلب آدمی را به خود مشغول می‌دارد و از حق منصرف می‌کند، است و این همان تلاش برای خوداصلاحی است.

اما اصل دوم در مسئله مشارکت مردم در تحقق عدالت و قضاوت حقیقی، با عنوان «دگراصلاحی»، ناظر به نقش افراد در پالایش رفتارها و اندیشه‌های سایر افراد جامعه است. ازآنجاکه پیوستگی و همبستگی ایجادشده در روابط اجتماعی، زمینه آثار فراگیر رفتارهای ضداجتماعی افراد در جامعه را فراهم کرده است، ازهمین‌رو سرزدن هرگونه عمل سوءرفتار و خلاف اخلاق اجتماعی نه‌تنها آثار زیان‌باری را متوجه شخص مرتکب می‌کند، بلکه دامان جامعه را نیز آلوده خواهد کرد. بنابراین باید کوشید با استفاده از ابزارهای صحیح و مناسب، غافلان اجتماعی را از ارزش‌های گروهی وفاق‌آمیز باخبر کرد و از تسری بیش‌ازپیش فرهنگ ناصحیح در جامعه پیشگیری کرد. آمران به معروف و ناهیان از منکر همان افرادی هستند که با الهام از اندیشه‌های ناب قرآنی به این اصل مهم توجه می‌کنند و آیات و روایات متعددی دراین‌باره موجود است.

آنچه مسلم است، خواسته هر جامعه‌ای تحقق آرمان‌های گروهی خود است؛ ازاین‌رو می‌کوشد به ابزارهای رسیدن به این مهم همواره توجه کند. مشارکت مردم در اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی بیشترین اثر را در ازبین‌بردن حجم کثیری از اختلافات و دعاوی مدنی و معنوی فراهم خواهد کرد. ایجاد نهادهای داوری و حکمیت افراد در هنگامه بروز اختلافات احتمالی، بخش دیگری از زمینه مشارکت مردم در فرایند رسیدن به قضاوت عادلانه و صحیح است که درباره این مهم نیز با عنوان قضات تحکیم در متون فقهی به تفصیل بحث شده است.

چنانچه به هر سه زمینه ذکرشده در این مرقومه توجه شود، به یقین، از حجم گسترده‌ای پرونده‌های محاکم قضائی کاسته می‌شود و با اتخاذ این سبک پیشگیری مبتنی بر مشارکت مردم، باید در انتظار مشاهده جامعه‌ای مترقی، با ثبات و آرام بود که در آن بی‌اخلاقی، بی‌نظمی و آسیب‌های اجتماعی به انزوا رفته‌اند. ان‌شاءالله.

***استاد دانشگاه و مدیرکل پیشگیری‌های مردمی و مشارکت‌های مدنی قوه‌قضائیه**

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR